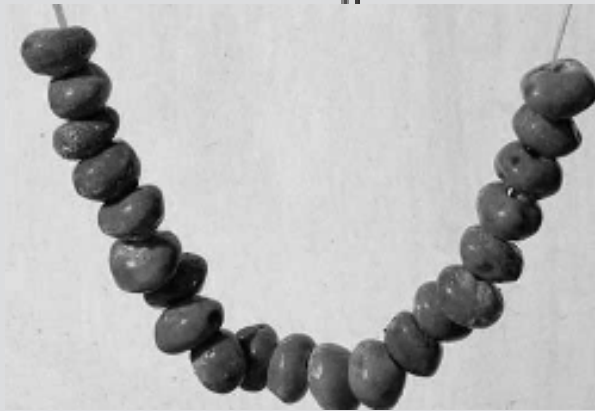


باورهای عامیانه ترکمنان/بخش سوم

باورهای مرتبط با چشم زخم



ترجمه و تألیف: آنادُردی کریمی



آویز خَرْمَهره آبی رنگ برای دفع چشم زخم

*نویسنده، مترجم و
پژوهشگر فرهنگ و
ادبیات ترکمن

مقدمه

عده‌ای از ترکمنان، هم‌چون دیگر اقوام ایرانی، به چشم زخم معتقد هستند و برای مقابله با آن از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند.

چشم زخم که با عبارات دیگری چون «چشزخ»، «چشم شور»، «دیده شور» و «نظر شور» نیز شناخته می‌شود؛ عبارت است از آن که شخصی چیز حسین و مرغوب را نگاه کند و به طریق حسد در وی نظر اندازد، البته بعضی گویند در چشم زخم، حسد ضرور نیست، گاهی نظر دوست هم کار می‌کند. (لغت نامه دهخدا، ذیل چشم زخم)

چشم زخم: آسیبی مالی یا جانی، که دلیل آن تحسین حسادت آمیز و نگاه حسرت بار کسی پنداشته می‌شود که چشم شور دارد و دیگران را چشم می‌زند. (فرهنگ فشرده سخن: حسن انوری، ذیل واژه)

چشم شور: آن که دارای نگاهی است که موجب چشم زخم زدن و آسیب رساندن می‌شود. (همان)

بنابراین، چشم زخم آسیب و زبانی است که از نگاه پُرمحبت و تحسین، یا از نظر آمیخته



به حسد و حیرت شورچشمان، به افراد یا اشیاء می‌رسد (غلامحسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۶). در دایره‌المعارف بریتانیکا ذیل مدخل «eye live» (چشم‌زخم) به جنبه‌ی آسیب‌رسانی آن توجه شده و گفته شده است: «اعتقاد بر آن است که اشخاص می‌توانند، با نگاه خود، به دیگران صدمه بزنند و حتی مسبب مرگ آنان شوند و در این میان، کودکان و حیوانات، بیش از دیگران مستعد چنین صدماتی هستند» (۱۹۷۳: ۴/۶۲۲، به نقل از غلامحسین‌زاده، ۱۳۹۸: ۹۶).

در باورهای عامیانه، حسودان، شورچشمان، افراد ازرق‌چشم، زنان نابارور، غریبه‌ها، افراد معلول، گدایان، زنان پیر و حتی گاهی پدران و مادران (از روی محبت)، به چیزهایی مانند کودکان، باغ‌های میوه، مزارع و دارایی‌های انسان‌ها آسیب می‌رسانند (همان، ۹۹).

«مردم، بسیاری از مرگ‌ها، ناخوشی‌ها، رویدادهای ناگوار، بی‌بر و بار شدن درختان پُربار و خشک شدن و کم شدن شیر مادران و دام‌های پُرشیر را نتیجه‌ی اثرات چشم‌زدگی یا چشم‌بد می‌پندارند. باور به چشم‌زخم در هر دو سنت مذهبی و عرفی، در همه خرده‌فرهنگ‌های ایرانی از دیرباز رایج بوده است» (بلوکباشی، ۱۳۹۴: ۳۵۰).

«چشم‌زخم از قدیم‌ترین باورهای بشر و احتمالاً فراگیرترین و رایج‌ترین باور فراعلمی در سراسر جهان و از جمله، در جهان اسلام است. مفسران، آیه شریفه‌ی «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قرآن کریم، سوره قلم؛ ۵۱-۵۲) را به چشم‌زخم و دفع آن مربوط دانسته‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۴۴۶).

«اعتقاد به چشم‌زخم، ریشه‌ای عمیق در میان ملت‌ها دارد» (جهانشاهی افشار، ۱۳۹۶: ۲۹) و بسیاری از اقوام؛ از جمله عرب‌ها، چینی‌ها و حبشی‌ها به چشم‌زخم باور داشتند و حیوانات و کودکان را بیشتر مستعد چشم‌زخم می‌انگاشتند، به همین سبب از تعویذها و حرزها برای دفع چشم‌زخم استفاده می‌کردند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰، به نقل از جهانشاهی افشار، ۱۳۹۶: ۳۰).

در رسائل اخوان‌الوصفا، رساله‌ی مستقلی تحت عنوان «در ماهیت سحر و عزائم عین» (چشم‌زخم) آمده است. نویسنده‌ی این فصل، در توجیه مفصلی از چشم‌زخم (الاصابة بالعين) می‌گوید بسیاری از چشم‌نندگان را دیدیم که، در کم‌تر از ساعتی، انسان را با چشم‌زدن از پای درمی‌آورند. نیز می‌گویند، از پیامبر (ص) روایت شده است که: «السحر حق والعین حق» یعنی: «سحر و چشم‌زدن حقیقت دارد» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱ به نقل از افضل‌طوسی، ۱۳۹۳: ۸۱).

باور به چشم‌زخم در میان ترکمنان

در میان ترکمن‌ها نیز مانند بسیاری از دیگر مردمان کشورهای مشرق‌زمین، اعتقاد به چشم‌زخم وجود دارد، عده‌ای از ترکمنان، که نگارنده از زبان آنان شنیده است، به شدت به چشم‌زخم معتقد بودند و باور داشتند که افراد شورچشم با نگاه و یا تعریف و تمجید باعث رساندن ضرر و زیان به آنان و یا افراد خانواده و یا اموال آنان شده‌اند. این افراد مایل نبودند که نامشان در این مقاله ذکر شود. یکی از زنان ترکمن ساکن گنبدقابوس تعریف کرد که هر وقت همسایه‌ام به خانه‌ی من می‌آید و از من تعریف می‌کند، بعد از رفتن او، برای من اتفاقی می‌افتد و یا حالم بد می‌شود.



هم‌چنین، عده‌ای از ترکمنان اعتراف می‌کنند که چشم آنان شور است. یکی از زنان میانسال ترکمن، ساکن گنبدقابوس، اعتراف کرد که: «کافی است به کسی با نظر خاصی نگاه کنم و یا به تعریف و تمجید او و یا خانواده‌اش و... پردازم، بی‌شک چشم‌شورم باعث می‌شود که برای آنان اتفاقی بیفتد. به عنوان مثال، شخصی که سالم و سرحال است، بعد از نگاه من، مریض می‌شود!» این زن ادامه داد که: «حتی می‌ترسم که به شوهرم و فرزندانم چشم بزنم! بنابراین، بسیار مواظب هستم که از آنان و دیگران تعریف و تمجید نکنم، یا به آنان با حیرت نگاه نکنم!». یک مرد ترکمن ساکن بجنورد هم برای نگارنده تعریف کرد که: «چند روز قبل، در خیابان، یکی از زنان آشنا را دیدم. با آن‌که او چند سال از مادرم بزرگ‌تر بود، سرحال و قهقهه راه می‌رفت. بی‌اختیار او را با مادرم مقایسه کردم که مریض و بیمار است... دو روز بعد شنیدم که آن زن کرونا گرفته است!». این فرد ساکن بجنورد معتقد بود که به او چشم زده است.

پیرزن ترکمن دیگری، ساکن بجنورد، که از اقوام نگارنده است، به شدت معتقد به چشم‌زخم است؛ او می‌گوید: «عده‌ای چشم‌شان شور است. چشم‌زخم آنان، هم به انسان‌ها، هم به حیوانات و حتی به اتومبیل نو هم سرایت می‌کند!». او برای تأیید باور خود، اتومبیل فرزندش را مثال زد که: «یکی - دو روز بعد از خرید، عیب پیدا کرد!». ایشان اصرار داشتند که: «حتماً به ماشین فرزندم چشم زده‌اند و گرنه چرا باید ماشین نو ایراد پیدا کند؟!».

نشانه‌های باور به چشم‌زخم در میان قوم ترکمن

در میان برخی از ترکمنان «باور به شورچشمی... هم‌چنان حفظ شده است» (ر.ک. رحمانی، ۱۳۹۲: ۷۷) و «بازتاب این اعتقاد در دست‌بافته‌ها، از جمله نمازلیق‌ها، کاملاً آشکار است. از همین روست که بافندگان ترکمن، در رابطه با این باور عامیانه، نقوش خاصی را در این دست‌بافته‌ها به کار می‌گیرند (همان). علاوه بر این، بازتاب اعتقاد به چشم‌زخم را در نقوش روی پوشاک ترکمن نیز می‌توان دید.

اصطلاح ترکمنی «دورت‌گوز» به معنی «چهارچشم» است که برای چشم‌نظر به کار می‌رود. در میان ترکمنان، یکی از رایج‌ترین اشیاء برای چشم‌نظر، «شاخ قوچ» یا «شاخ گاو» است. اما از آن‌جاکه برخی از این لوازم قابلیت حمل دائمی و همراهی همیشگی با صاحبان خود را ندارد، بنابراین برخی نقوش، به صورت نمادین و به عنوان جایگزین لوازم دفع چشم‌زخم، روی پوشاک به کار می‌روند، که همیشه و در همه حال به همراه فرد است. این نقوش غالباً با روش سوزن‌دوزی بر روی پوشاک نقش می‌بندند و در ضمن این‌که به عنوان دفع چشم‌زخم کاربرد دارند، عنصر تزئینی پوشاک نیز محسوب می‌شوند. (ر.ک. ذباح، ۱۳۹۲: ۷۴).

چشم‌زخم در ضرب‌المثل‌های ترکمنی

اعتقاد به چشم‌زخم و قدرت آسیب‌رسانی آن، در برخی از ضرب‌المثل‌های ترکمنی هم به چشم می‌خورد. در این‌جا به چند نمونه اشاره خواهیم کرد: «مرگ بدون علاج وجود ندارد، مگر که چشم‌زخم نباشد».



«چشم زخم، شُتر را روانه‌ی دیگ می‌کند و آدم را روانه‌ی قبر».

چنین موردی را در باور ایرانیان نیز مشاهده می‌کنیم:

«چشم شور، مرد را در گور و شُتر را در دیگ می‌کند».

«چشم شور، سنگ را می‌شکافد».

و در بخشی از ضرب‌المثل:

«چشم شور، دریا را می‌خشکاند».

عبارات و اصطلاحات مربوط به چشم زخم در زبان ترکمنی

برخی از عبارت‌ها و اصطلاحات نیز در ارتباط با چشم زخم و چشم شور و «چشم و نظر بد» در میان ترکمن‌ها وجود دارد.

گوز دِگمک: طبق یکی از باورداشت‌های قدیمی، وقتی که به یک چیز خوب، با مهر و محبت و شگفت‌زدگی نگریسته می‌شود، آن چیز [مشخص]، نسبت به قبل، وضعیت پایین‌تر و یا وخیم‌تری پیدا می‌کند. برای نمونه، گفت: «این بار به اسب ما چشم خورد و گرنه اسب روی زمین صاف و هموار سکندری می‌خورد و می‌لنگد؟» (تورکمن دیلی‌نینگ دوشوندیریشلی سؤزلوگی، ج اول، ۲۰۱۶: ۴۷۹).

گوزدِگن یالی یا گوزیگن یالی (گوز: چشم، دگن: برخورد کرده)، مثال: «اونونگ آلیب گیترن سیغری، گوزدگن یالی سؤیدینی کان کسب‌دیر»؛ یعنی: «گاو که او خریده و با خود آورده است، مثل این که کسی برایش [به آن] نظر بدی انداخته باشد، شیرش را خیلی کاسته است» (آقی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

یامان گوز: (یامان: بد، گوز: چشم). کنایه از چشم و نظر بد (همان، ۱۳۷).

گوزی غارا: مثال: «آل گوزی غارالیق دا بللی، آدم‌دیر، بیرزادا ناظار سالسا، اونی واغت گچیرمانی ییقار»؛ یعنی: «او در داشتن نظر بد، آدم شناخته‌شده‌ای است؛ اگر به چیزی نظر اندازد، بی‌وقفه آن را بر زمین خواهد انداخت (همان، ۱۲۵).

ترکمن‌ها اصطلاح «یامان گوزدن ساقلاسن» را به صورت دعا هم به کار می‌برند و آرزو می‌کنند که شخص مورد نظرشان چشم نخورد و دچار بلا و بدبختی و نیت پلید نشود (ر.ک. تورکمن دیلی‌نینگ دوشوندیریشلی سؤزلوگی، ج دوم، ۲۰۱۵: ۴۵۷).

شیوه‌های دفع چشم زخم در بین ایرانیان و ترکمنان

«در فرهنگ‌های جوامع قدیم و سنتی، تدابیر ویژه‌ای برای پیشگیری از چشم‌زدگی و دور کردن اثرات زیان‌بار چشم بد از آدمیزادگان، حیوان‌ها و اشیاء اندیشیده‌اند» (بلوکباشی، ۱۳۹۴: ۳۵۲).

اقوام ایرانی برای مقابله با چشم زخم از شیوه‌های مختلفی سود جسته‌اند. ذوالفقاری این شیوه‌ها را چنین آورده است: آب پاشیدن، آب دهان [انداختن]، استفاده از نباتات، اسفند آویزان کردن، اسفند دود کردن، [استفاده از] اعضای حیوانات، آویختن مُهره به گردن یا بازو، آویختن نعل اسب، برداشتن خاک کف پای چشم شور، به تخته زدن، پادزهر، پتر (تکه‌ای از آهن، طلا،



نقره، مس و به قولی برگ درختان بوده که طلسم‌ها را روی آن می‌نوشتند، پیشگیری خود فرد شورچشم، تعویذ یا حرز و دعا، چشم‌مارو، چشم ترکو، خالکوبی، [داشتن] خروس سفید، خط کشیدن جای قدم‌های چشم‌زننده، خمیر در آتش انداختن، دستمال گره‌زدن، دفع چشم‌زخم دام، دوختن دو چشم روی لباس، دود کردن بند شلوار، سنگ بر سنگ گذاشتن، شکستن تخم مرغ، عودالصلیب، قربانی کردن، [استفاده از] کلاه آبی یا سبز، له کردن تخم هندوانه، ماشاءالله گفتن، مالیدن گچ به ساختمان، مخفی کردن جنسیت نوزاد، نگاه کردن به نوک بینی، نمک، نیشگون گرفتن، نیل کشیدن (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۴۵۹-۴۴۸).

در باورهای عامیانه ترکمنان هم شیوه‌هایی برای مقابله با زخم‌چشم و شورچشم وجود دارد: ۱- **آویز کردن یا بستن آلاچایوپ**: یکی از معمولی‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های مقابله با چشم‌زخم، استفاده از «آلاچایوپ» است. ترکمن‌ها «دو رشته نخ سیاه‌وسفید را به هم می‌تابند که به آن «آلاجا» (رنگارنگ) می‌گویند» (راهنمای تجارت با کشور ترکمنستان، ۱۳۸۸: ۵۷).

«اگر بچه‌ای زبان‌آور و خوش‌قیافه باشد، برای این که از نظر بد بعضی‌ها درامان باشد، از نخ به نام «آلاچایوپ»، آویزی درست کرده، از گردنش می‌آویختند و هم‌چنین گاهی از همان نخ، مچ‌بندی درست کرده، به مچ بچه می‌بستند» (آقی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۲۴). ترکمنان طایفه‌ی سالور نیز به چنین موردی معتقدند (سالاری‌نیا، ۱۴۰۰). هم‌چنین برای این که فرزند خانواده که به خدمت سربازی رفته‌است، از چشم‌زخم درامان باشد، در مدت دوسال خدمت سربازی، به دور مچ دست او مچ‌بندی از «آلاچایوپ» می‌بندند. همین کار را در مورد زائران خانه‌ی خدا نیز انجام می‌دهند. (ر.ک. رحمانی، ۱۳۹۲: ۸۲) علاوه بر این موارد، آلاچایوپ را به صورت آویز تزئینی، بر سردر منزل نیز آویزان می‌کنند (فجوری، ۱۳۹۹).

۲- **سوزاندن و یا دود کردن اسپند (اسفند)**: از دیگر شیوه‌های رایج مقابله با چشم‌زخم در نزد ترکمنان، «سوزاندن یا دودکردن اسفند» است. تقریباً تمامی طوایف ترکمن از این روش استفاده می‌کنند. گیاه اسفند به سبب دربرداشتن خاصیت‌های طبّی، در درمان برخی از بیماری‌ها به کار می‌رود (زرگری، ۱/۳۱۳ به نقل از بلوکباشی، ۱۳۹: ۴۹۶). در فرهنگ عامه‌ی مردم سرزمین‌های اسلامی، اسفند و دانه‌ی آن مقدّس شمرده می‌شود و آن را برای رماندن بلاها و آفت‌ها و دفع چشم‌زخم به کار می‌برند (پورداد، ۷۹، به نقل از همان). اسفند در نزد عامه‌ی مردم بسیاری از سرزمین‌های جهان، به ویژه مسلمانان، جایگاه و ارزش خاصی داشته است (بلوکباشی، ۱۳۹۳: ۴۹۷). در باور عامه، اسپند گیاهی مقدّس است، که به همراه داشتن، دور سر گردانیدن و دود کردن آن، موجب دفع زیان و چشم‌زخم و سبب حفاظت فرد یا تعلقات او از آسیب و زیان می‌گردد (ر.ک. جهانشاهی افشار، ۱۳۹۶: ۳۶).

ترکمن‌ها، هم‌چون اقوام دیگر، به اسپند، که به آن «اوز‌ارلیک» یا «یوز‌ارلیک» می‌گویند، اهمیت فراوانی می‌دهند و همان‌طور که ذکر شد، استفاده از آن، یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه‌های مقابله با چشم‌زخم است. «اسفند، هم برای خوش‌یمنی و هم برای پاکیزگی و هم‌چنین برای

دفع چشم زخم استفاده می شود» (سالاری نیا، ۱۴۰۰).

در یک ضرب المثل ترکمنی به اهمیت و کاربرد ویژه‌ی اسفند اشاره شده است:

«جن از اسپند می گریزد، [همان گونه که] جن زده از چماق».

این باور، هنوز هم در میان مردم وجود دارد که اسپند، موجودات و اشیاء را از تمامی بلا یا حفظ می کند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۵۰).

ترکمنان در موارد زیر اسپند دود می کنند:

- وقتی که عروس را به خانه‌ی داماد می آورند، برای آن که به عروس و داماد چشم نخورد، اسپند دود می کنند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۵۰).

- اگر کسی به خانه‌ی شما آمد و شما شک کنید که او چشمش شور است و یا آن شخص آه بکشد و یا بگوید: «ما شاء الله چه خانه‌ای ساخته‌ای!» یا «ما شاء الله چه فرزندان خوبی داری!» و امثال آن، بعد از رفتن او، اسپند دود می کنند تا انرژی منفی باقیمانده را از خانه بیرون کنند (رهنما، ۱۳۹۹). یا بعد از رفتن میهمان، اسپند دود می کنند تا چشم زخم احتمالی آنان شامل افراد خانواده نشود (مرادی، ۱۴۰۰).

- معمولاً در موقع اسپند دود کردن سخنانی را به زبان می آورند؛ مانند: «چشم حسود بترکد!» و «آن که نمی تواند وضعیت خوب ما را ببیند و آن که حسادت می کند، چشمش کور بشود!» (ملتی، ۱۳۹۹) و یا «حسادتش به خودش برگردد!» (رهنما، ۱۳۹۹). و اگر گمان کنند که به کسی چشم خورده است، اسپند دود کرده و سه بار از روی آن شخص، با اسپند دود شده، به این طرف و آن طرف رد می شوند و خود را تکان می دهند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۱۰).

- اگر اسفند روی آتش صدا کند و بجهد، در آن صورت آن شخص خودش را قانع می کند و با خود می گوید که چشم زخم برطرف شده و جلوی آن گرفته شده است (رهنما، ۱۳۹۹).

۳- آویزان کردن ریشه‌ی اسپند: در بین برخی اقوام و ساکنان بعضی از مناطق، به منظور دفع و رفع چشم زخم، علاوه بر سوزاندن و دود کردن اسپند، از آویز اسپند (اسفند) نیز استفاده می شود. برای نمونه، در مناطقی چون کرمانشاه، آلاشت و سوادکوه «برای رفع چشم زخم، تعدادی اسفند را به نخ کشیده و به دیوار خانه آویزان می کنند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۴۴۹). ترکمن ها نیز «برای پیشگیری از چشم زخم، دانه‌های اسفند را به نخ کشیده، با قرص کوچک نان، که وسط آن را سوراخ کرده اند، در کنار خانه از سقف می آویزند (کسراثیان،



آویز ریشه اسپند



۱۳۷۰: ۲۴). علاوه بر آویختن بسته‌ی کوچک اسپند از درِ خانه، آن را به آیینهِی کوچکِ اتومبیلی که تازه خریداری شده، هم می‌آویزند (رهنما، ۱۳۹۹) و برای آن‌که به حیوانات چشم‌زخم نرسد، از آخور حیوانات اسپند آویزان می‌کنند (تاتلیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۲).



۴- **نعل اسب:** یکی دیگر از شیوه‌های مقابله با چشم‌زخم، نصب کردنِ نعل اسب است؛ ساکنانِ برخی از مناطق ایران معتقد هستند که نعل اسب دارای خاصیتِ دفعِ چشم‌زخم است. برای نمونه، گیلانی‌ها معتقدند که اگر نعل اسب را به چهارچوبِ کفِ دکان بکوبند، نیک است و دفعِ چشم‌زخم می‌شود. در اُمَل نیز نعل اسب را، برای دفعِ چشم‌زخم، بر سِرِ دروازه، یا ایوانِ خانه نصب می‌کردند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۰۹۱).

ترکمنان باور دارند که **نعل** رابطه‌ی بین زمین و آسمان را حفظ می‌کند (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۶۸)، مانع چشم‌زخم می‌شود و نوعی ابزارِ محافظت از بلایا و آسیب‌ها محسوب می‌شود. ترکمن‌ها معتقدند که اگر جلوی درِ ورودی یا روی دیوارِ خانه یا مغازه یا طویله و...، **نعل کهنه** و **مستعمل** را نصب کنند، جلوی چشم‌زخم را می‌گیرد (ملتی، ۱۳۹۹). البته گاهی اوقات نیز نعل اسب را در کنار ستونِ چوبی و یا آهنیِ ایوان نصب می‌کردند (فجوری، ۱۳۹۹).

۵- **ادعیه:** ترکمن‌ها اعتقاد دارند «کاغذی که بر روی آن آیات قرآن نوشته شده باشد» و «نظر بند ساخته شده از درخت کاج خمره‌ای» و «نسخه‌ی دعا»، همگی نوعی محافظ در مقابل چشم‌بند یا چشم‌زخم محسوب می‌شوند (تاتلیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۳).

- برای جلوگیری از چشم‌زخم، دعای چشم‌زخم را از آخوند می‌گیرند و از گردنِ فرد - به‌ویژه کودکان - آویزان می‌کنند (ملتی، ۱۳۹۹).

- حتی برای این‌که به اتومبیلِ نو، چشم نخورد، از آخوند «**گوزلی دوغا**» می‌گیرند. آن دعا را در پارچه می‌گذارند و می‌دوزند، سپس آن را با آلاچایوپ از آینه‌ی اتومبیل آویزان می‌کنند (اسفندیاری، ۱۳۹۸).

- هم‌چنین اگر عروس جهیزیه‌ای زیاد و چشم‌گیر به خانه‌ی داماد بیاورد؛ باز هم برای جلوگیری از چشم‌زخم، این دعا را می‌گیرند و میانِ وسایلِ او می‌گذارند (همان).

هم‌چنین نَخورلی‌ها، اگر درختی میوه‌ی زیاد دهد و یا محصول گندم و گوجه‌فرنگی و... خوب باشد، برای این‌که چشم نخورد، دعا می‌گیرند و در داخل پلاستیکی می‌گذارند و روی آن پارچه‌ای می‌پیچند. چوبی در داخل مزرعه [مثل مزرعه گندم] نصب می‌کنند و دعا را به آن می‌بندند تا محصول‌شان از چشمِ بدِ درامان باشد (همان).



۶- **نمک و زغال:** برای جلوگیری از چشم زخم، از نمک و زغال هم سود می جستند؛ «در داخل پارچه ای، که آن را به صورت سه گوش درمی آورند، نمک و زغال می گذاشتند و می دوختند. گوشه ای از آن را سوراخ می کردند و نخ آلاچایوپ را از آن رد می کردند و آن پارچه ای سه گوش را به گردن انسان و یا حیوان می آویختند و یا از در ساختمان آویزان می کردند (رهنما، ۱۳۹۹). هم چنین برای حفاظت نوزادان، داخل نسخه ای دعا، نمک و زغال می گذارند و به طناب گهواره ی کودک می بندند. در باور ترکمن ها، نمک مقدس و زغال بسیار محکم به حساب می آیند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۸۴).

۷- **اعضای بدن حیوانات:** در باورهای عامیانه، استفاده از اعضای بدن حیوانات در مواردی می تواند جلوی چشم زخم را بگیرد. نوع این حیوانات و نحوه ی استفاده از آن، در فرهنگ های مختلف با هم تفاوت دارند. برای نمونه در استان کرمان «نصب سر آهو و سر شکار کوهی بر سردر منازل، چشم زخم را دفع می کند» (مؤید محسنی، ۱۳۸۱: ۳۹۲، به نقل از جهانشاهی افشار، ۱۳۹۶: ۳۹). دندان گراز نر، برای دفع چشم زخم مفید است، از این رو آن را با خر مهره های فیروزه ای رنگ به گردن گاو ان جنگی با هیبت و اسبان سواری زیبا می آویزند تا چشم بد را از آن ها دور کنند (بشرا، ۱۳۸۶: ۵۹-۵۸).

در میان ترکمنان هم چنین باورهای وجود دارد. به چند مورد اشاره می کنیم:

الف- **سر و شاخ اسب، گاو، قوچ و گوزن:** برای آن که به خانه چشم زخم نرسد، در بالکن خانه، سر و شاخ [حیواناتی] چون اسب، گاو و قوچ را آویزان می کنند (تاتیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۲) و یا شاخ گوزن را در سردر ورودی منزل نصب می کنند (مرادی، ۱۴۰۰).

ب- **جمجمه ی گاو:** آویزان کردن جمجمه ی گاو، به نشانه ی برکت و دفع چشم زخم بر فراز خانه ها و مزرعه ها، از جمله بقایای اعتقادات کهن ترکمن هاست (ر.ک. کسرائیان، ۱۳۷۰: ۱۹).

ج- **جمجمه ی خر مُرده:** ترکمن ها اعتقاد دارند جمجمه ی خر مُرده، جلوی چشم زخم را می گیرد و به همین خاطر کشاورزان ترکمن آن را بر سر چوبی در وسط زمین خود قرار می دهند (ر.ک. مخنومی، ۱۳۹۸).



جمجمه گاو

د- **پوست حیوانات دریایی:** هم چنین باور دارند که نصب کردن پوست حیوانات دریایی به گهواره ی بچه، موجب جلوگیری از چشم خوردن بچه می شود. (ر.ک. تاتیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۳).

ه- **ستون فقرات ماهی، ناخن شیر و استخوان خرگوش:** بنا به باور ترکمن ها، استخوان ستون فقرات ماهی، ناخن شیر و استخوان خرگوش، موجودات و اشیاء را از چشم زخم محافظت می کنند (ر.ک. اورآیف، ۱۹۹۳: ۴۷، الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۱۰).

و- **زبان حیوانات حرام گوشت:** هم چنین زبان حیوانات حرام گوشت، چشم زخم را دفع می کند



(الیاسوا، ۲۰۰۵: ۸۵).

ز- **پوست مار:** اگر پوست جداشده‌ی مار به حیوانات خورانده شود، چشم بد آن‌ها اصابت نمی‌کند (قوچ‌مئرادوف، ۱۹۹۵: ۴۶ به نقل از تاتیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۳). هم‌چنین نخورلی‌ها معتقدند که اگر پوست جداشده‌ی مار را داخل پلاستیکی یا پاکتی بگذاری و از یک جای خانه آویزان کنی و یا آن را دود کنی، مانع چشم‌زخم می‌شود (کریمی، ۱۴۰۰).

ح- **چشم گوسفند و شتر:** یکی دیگر از اعتقادات ترکمن‌ها «چشم بد» است که برای جلوگیری از این امر معمولاً چشم حیوانات (گوسفند یا شتر) را از جلوی در آویزان می‌کنند و بر این اعتقادند که چشم بد ابتدا به آن می‌افتد (کلته، ۱۳۷۵: ۳۹) و نه بر اعضای خانواده (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۰۹۰). ط- **پشم شتر:** به‌خاطر آن‌که به عروس جوان چشم نخورد، با نیت خیر، پشم شتر را به موی او و بغل لباس او می‌بندند یا سنجاق می‌کنند (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۵۰).

ک- **دندان حیوان حرام گوشت:** اگر می‌ترسی به چیزی چشم بخورد، دندان حیوان حرام گوشت را از آن آویزان کن، [دیگر] چشم نمی‌خورد (ر.ک. اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۸).

ل- **دندان خوک:** اگر دندان خوک را به‌همراه داشته باشی، نسخه‌ی دعای [شر] دیگران به تو اثر نمی‌کند و چشم نمی‌خوری (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۱۱).

م- **چنگال پرندگان:** بلوک‌ویل سفرنامه‌نویس فرانسوی، که در دوران ناصرالدین‌شاه در نزد ترکمن‌های تکه اسیر بوده است، ضمن اشاره به اهمیت دعا در نزد ترکمن‌ها، نوشته که آن‌ها «حتی چنگال پرندگان را که به یک قطعه نقره وصل شده است، به لباس آن‌ها [کودکان] می‌چسبانند که هدف از آن دفع چشم‌شور است» (کولیوف دو بلوک‌ویل، ۱۳۹۴: ۹۷).

۸- **چوب درخت داغداغان (داغداغه):** داغداغان، درختی بسیار سخت و محکم است و در مناطق کوهستانی رشد می‌کند (ر.ک. تورکمن دیلی‌نینگ دوشوندیرشیلی سوزلوگی، ج اول، ۲۰۱۶: ۲۲۴). از میان گیاهان موجود در نزد ترکمن‌ها، درخت داغدان [داغداغان] جایگاه ویژه‌ای دارد (ر.ک. دِمیدوف، ۱۳۹۴: ۳۲۳) و در ارتباط با بحث اصلی ما؛ یعنی باورهای عامیانه‌ی ترکمنان و هم‌چنین چشم‌زخم و شیوه‌های مقابله با آن، چوب این درخت بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ترکمن‌ها از چوب داغداغان برای حفاظت از چشم‌زخم استفاده می‌کنند. ترکمن‌ها در این ارتباط ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید: «داغدانلی تایماز، تایسا- دا غایماز؟» یعنی: «آن‌که چوب داغداغان را با خود دارد، پایش نمی‌لغزد، اگر هم بلغزد، نمی‌افتد».

هم‌چنین در میان صنایع دستی ترکمن، از زمان‌های بسیار دور، «طلسم چشم‌زخم» بیشترین شهرت را پیدا کرده است و به‌خاطر این‌که از چوب درخت «داغدان» درست می‌شود، به همین نام **داغدان** معروف است.

از چوب این درخت، طلسم‌هایی به اشکال گوناگون ساخته می‌شود؛

- زنان این طلسم داغدان را روی سینه می‌اندازند.



- طلسم داغدان را به کلاه کودکان و پیرمردان می‌دوزند.

- طلسم داغدان را روی سَرِدِر و رودی منازل یا بر دروازه‌ها، به صورت یک قطعه چوب ساده نصب یا آویزان می‌کنند. (ر.ک. دمیدوف، ۱۳۹۴: ۳۲۴).

- از چوب درخت داغدان، دعایی به صورت مثلث شکل درست می‌کردند و با آلاچایوب به گردن بچه‌های شیطان و پُرچُنِب و جوش آویزان می‌کردند تا چشم نخورد (ر.ک. رهنما، ۱۳۹۹).

- در برخی مناطق، از این چوب، که «چوبی است انعطاف‌پذیر و در مقابل ضربه‌ی کارد نمی‌ترکد، علامت سه‌گوشی ساخته، با دندان خوک و خَرْمُهره، به پشت لباس کودکان و کلاه دختران زیبا و لباس زنان حامله، می‌دوزند» (کسرائیان، ۱۳۷۰: ۲۴).

۹- **زاج:** یکی از شیوه‌های مقابله با چشم‌زخم استفاده از زاج است. «زاج، ماده‌ای معدنی به شکل بلور با کاربردهای متنوع در صنایع، طب، آشپزی و فرهنگ مردم» است (غفوری، ۱۳۹۵: ۶۵۵). مردم از زاج برای رفع چشم‌زخم استفاده می‌کنند. به باور مردم، هنگامی که کودکی دچار چشم‌زخم می‌شود، یا برای اجتناب از چنین مسئله‌ای، اطرافیان او با در آتش انداختن و سوزاندن زاج، نسبت به رفع این مشکل اقدام می‌کنند ... (همان).

زاج و دفع چشم‌زخم در باور ترکمن‌ها

- در باورهای عامیانه‌ی ترکمنان هم «اگر به فرد بزرگسال و کودک چشم بخورد، باید زاج آتش زد» (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۱۰).

- زاج را در داخل ظرف فلزی می‌گذاریم. زاج ذوب می‌شود. اگر در حین ذوب شدن، گرد شود، می‌گوئیم چشم زده‌اند و اگر زاج دراز شود، می‌گوئیم، زخم زبان بوده است. بعد از سرد شدن زاج، با چاقو به آن ضربه می‌زنیم و در ادامه با پاشنه‌ی پا آن را می‌کوبیم. با این منظور که اگر کسی که چشم زده باشد، زیر پا بماند. بعد آن را در آب حل کرده و آب را به دست‌وپای خود می‌مالیم. بدین طریق از چشم‌زخم رهایی پیدا می‌کنیم (ملتی، ۱۳۹۹).

- زاج را باید در قاشق آهنی و یا در یک ظرف گذاشت و ذوب کرد. کمی که کف کرد و سفت شد، داخل آن حفره حفره می‌شود. با نگاه کردن به این حفره‌ها، چشم خوردن معلوم و قطعی می‌شود؛ اگر روی زاجی که می‌سوزد، برآمده باشد، چنین تصوّر می‌شود که شخص مذکور چشم زده است و اگر فرورفته باشد، شخص مؤنث چشم زده است. سپس قسمتی از آن زاج را باید در آب و قسمتی از آن را نیز تقسیم کرده و به چهار طرف باید انداخت. زاج باقیمانده را باید خیس کرد و به بدن مریض مالید. در چنین حالتی، شخصی که تصوّر می‌شود چشم‌زخم خورده، بهبود می‌یابد و خوب می‌شود (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۱۰).

- استفاده از زاج برای مقابله با چشم‌زخم، در میان **سالورها** نیز رایج است؛ آنان زاج را روی سر مریضی - چه کودک و چه بزرگسال - که به خاطر چشم‌زخم، بیمار شده، می‌گردانند و در همان حال دعاهایی را می‌خوانند. سپس زاج را داخل تکه پارچه‌ای نو و پاکیزه می‌گذارند و پس از گره زدن، زیر بالش قرار می‌دهند. بعد از سپری شدن یک شبانه‌روز، آن را از زیر بالش



برداشته، زاج را از داخل پارچه درمی آورند و روی آتش ذوب می کنند. وقتی که زاج کاملاً ذوب شد، دوباره آن را داخل همان پارچه ی قبلی قرار می دهند و سپس آن را در محلی از کوچه، که پُرفرت و آمد است، می گذارند. باور بر این است که این زاج که یک شبانه روز در کنار مریض بوده، بیماری را به خود جذب کرده و با ذوب کردن آن، بیماری هم نابود شده و در نهایت وقتی آن را به کوچه ی پُرفرت و آمد انداخته اند، چشم زخمی را که به خود جذب کرده، در زیر پای عابرین لگدمال شده و از بین می رود (ر.ک. سالاری نیا، ۱۴۰۰).

۱۰- **جواهرات:** ترکمن ها اعتقاد دارند که برخی از جواهرات از چشم زخم جلوگیری می کنند. از قدیم الایام بین مردم ترکمن جواهراتی وجود داشته و دارد که به محافظت از چشم و زبان، شهرت زیادی دارند (ر.ک. ترجمه باتیروا، ۱۳۸۴: ۵۳). بعضی از انواع جواهرات برای دفاع از چشم [زخم] و زخم زبان آویزان می شوند، که **تومار**، **داغدان**، **هیکل** و **دعاجیر** از آن جمله می باشند و به لحاظ شکل و نحوه ی درست کردن و نیز نحوه ی استفاده، متفاوت هستند (ر.ک. همان).



نمونه هایی از زیور آلات ترکمن

- **بزبند:** یکی از جواهرات که جهت محافظت نوزادان و کودکان از چشم [زخم] و زخم زبان استفاده می شود، «بزبند» [tnebzab] است. «بزبند» که بچه ها را از شومی و بلا حفظ می کند، به عنوان تومار و دعا نیز استفاده می شده است. ترکمن ها بر این باورند که بایستی از سنین نوزادی به بچه طلا و نقره آویزان کنند. به همین خاطر آن را به شکل دایره درست می کرده اند و در چهار طرف آن حلقه هایی برای آویختن به لباس می گذاشته اند (ر.ک. همان).

- **نَظَر بَند (بیلاباش):** که آن را نیز می توان به دلایلی از زینت آلات بچه ها و گاه زنان محسوب نمود، این زیور قاب نقره ای و مثلثی شکل را به جهت مصون ماندن کودک از چشم زخم و بلایای متعدد، به سرشانه های لباس کودکان می دوختند و هم اکنون هم در روستاها و لایه های سنتی شهری، گاه به گاه به چشم می آیند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۴۴).

- **گوشواره، انگشتر و...:** از دیگر مواردی که به لباس کودکان می دوزند و بیشتر نوعی دعا و

یا طلسم ضد چشم‌زخم محسوب می‌شود، می‌توان به انگشتر و گوشواره و سایر زیورآلات و تزیینات خاص اشاره کرد (ر.ک. آلفیروز، ۱۹۷۸: ص ۹؟ به نقل از کسرائیان، ۱۳۷۰: ۲۵).

۱۱- **منجوق چشم:** عده‌ای از ترکمن‌ها معتقدند که کودکان در معرض خطر چشم‌زخم هستند. «کودک هر جا هم که باشد، چشم می‌خورد، مخصوصاً در عروسی‌ها و جشن‌ها، در راه و بیراهه شکل کودک و حرکت‌های ویژه‌اش همه را به خود جذب می‌نماید. شادمانی، خوش‌قلبی و پاک‌ی او، بزرگترها را به وجد می‌آورد. این‌گونه کودکان در معرض [صدمه‌ی] چشم و زبان هستند» (ترجمه باتیروا، ۱۳۸۴: ۵۳). «به این خاطر، وقتی که با کودکان به جاهایی می‌روید، بهتر است حداقل به جایی از بدنش منجوقی را که باطل‌کننده‌ی چشم‌زخم است، آویزان کنید. بزرگسالان وقتی بچه‌ای بدون منجوق می‌بینند، می‌گویند: این بچه چقدر بامزه است؛ کاش به جایی از لباس بچه، منجوق چشم را آویزان می‌کردید» (همان) زیرا منجوق چشم، از بچه در مقابل چشم‌زخم محافظت می‌کند (اُرایف، ۱۹۹۳: ۴۸).

- سالورها نیز گاهی برای مقابله با چشم‌زخم، به «آلاجا» منجوق چشم وصل می‌کنند و گاهی نیز آن را به وسط بند قنداق نوزاد می‌بندند (سالاری‌نیا، ۱۴۰۰).

۱۲- **سُرب:** بالای سر فردِ مریضی که تصوّر می‌کنیم چشم خورده، ظرف آبی را می‌گیریم و سُرب را ذوب کرده در آن ظرف می‌ریزیم. در این وضعیت، مریض از شنیدن صدای خاص سُرب تکان می‌خورد. در سُرب آشکالی پدید می‌آید. براساس این آشکال چشم خوردن آشکار می‌شود (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۱۰).

- شبیه مورد بالا - با کمی تفاوت جزئی - در میان سالورها اجرا می‌شود؛ اگر کودکی یا بزرگسالی مریض شود، به داخل ظرف آبی سکه می‌اندازند. سُرپی به اندازه‌ی حبه‌ی قند و یا کمی بزرگتر را در قاشقی و یا ملاقه‌ای می‌گذارند و روی آتش ذوب می‌کنند و خوب که ذوب و مثل آب شد؛ آن را روی مریضی که خوابیده می‌آورند. سُرب را داخل آن ظرف آب می‌گذارند. سُرب که با سروصدای خاصی داخل آب می‌افتد، انواع آشکال به وجود می‌آید. این شکل‌ها ممکن است شکل یک آدمیزاد باشد و یا شکل یک اتومبیل... شاید این‌گونه هم نشود. اما آنانی که آن را مشاهده می‌کنند، چنین حدس‌هایی می‌زنند و با توجه به آن‌ها می‌گویند که به مریض، چشم سواره‌ای خورده و یا چشم پیاده‌ای که رد می‌شده است. سپس آب داخل ظرف را به همراه سکه در کوچه می‌ریزند و به نیت صدقه سُرب را هم می‌اندازند. با این باور که چشم‌زخم برطرف می‌شود (سالاری‌نیا، ۱۴۰۰).

۱۳- **پارچه و لباس رنگارنگ:** برای جلوگیری از اصابت چشم‌زخم به کودک، به او لباسی می‌پوشانند که از انواع پارچه‌های رنگارنگ دوخته شده است، اشخاصی که چشمان‌شان شور است، نگاه‌شان به پارچه‌های رنگارنگ می‌افتد، و بدین‌وسیله کودک را از چشم‌زخم و زبان محفوظ می‌دارند (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۸۶).

۱۴- **بخیه زدن در روی لباس:** در گذشته برای این‌که به کودک چشم نخورد در موقع دوخت



لباس کودک، بخیه (کوک) را از رو (بیرون) لباس می‌زدند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۸۶).

۱۵- **کشیدن خط:** یکی از شیوه‌های مقابله، با چشم‌زخم، خط کشیدن محل نشستن و جای قدم‌های فرد چشم‌زننده بوده است.

- بر اساس باورهای معمول، اگر اشخاصی که به بدی‌نظر شناخته شده‌اند، به خانه می‌آمدند، بعد از رفتن‌شان، در محلی که آن‌ها نشسته بودند با وسایل نوک‌تیز چون کارد، خط‌هایی نامنظم می‌کشیدند (ر.ک. آقی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۲۳) و علاوه بر آن، پس از رفتن آدم چشم‌شور، پشت سر او را با چاقو بُرش می‌دادند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۱۱، اُورایف، ۱۹۹۳: ۴۸) و یا مسیری که او رفته بود را با چاقو، به صورت ضربدري، بُرش می‌دادند (ر.ک. دوجی، ۱۳۹۹).

۱۶- **پاشیدن آب:** اگر شخص چشم‌شور به خانه آمد، پس از رفتن او، پشت سرش باید آب پاشید (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۱۱).

۱۷- **زغال:** وقتی که آغوز گاو را به خانه‌های اطراف می‌فرستند، اگر داخل ظرف آن تکه‌ای زغال گذاشته شود، از چشم‌زخم محافظت می‌کند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۴۰).

۱۸- **کهربا:** به باور برخی از ترکمن‌ها، «کهربا» هم قادر است موجودات و اشیاء را از از چشم‌زخم محافظت کند (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۵۸).

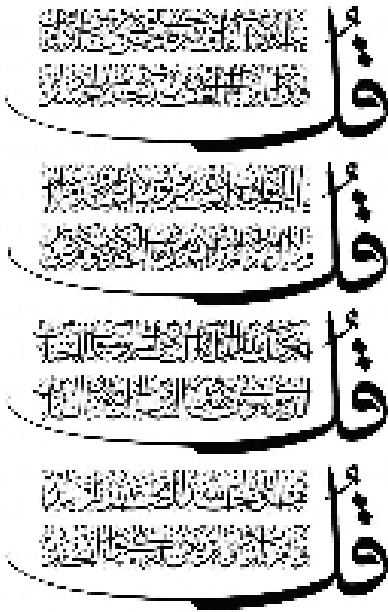
۱۹- **سنگ آبی‌رنگ:** اگر سنگ آبی‌رنگ از اویزان کنی، از چشم‌زخم در امان می‌مانی (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۷۳).
۲۰- **کاشتن گل:** اگر در اطراف خانه، گل کاشته شود، عمل بسیار پسندیده‌ای است. آدم چشم‌شور به گل‌ها نگاه می‌کند و می‌گوید: «به‌به! خانه‌ی این‌ها چقدر زیباست! این گل‌ها را ببین!» به باور مردم، زیبایی گل‌ها، مانع چشم‌زخم آن شخص می‌شود (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۸۰).

۲۱- **نام‌گذاری نوزاد:** مادرانی که فرزندان‌شان از دنیا می‌رفتند، زنده‌ماندن فرزندان‌شان و داشتن عمر طولانی را از خداوند طلب می‌کردند و با آرزوی چشم‌نخوردن به او، برای او، اسمی مختلفی چون «ایت‌آلماز»، «تاغان»، «تاغان‌گول» و غیره را انتخاب می‌کردند (ر.ک. الیاسووا، ۲۰۰۵: ۲۱۰) «تاغان» به معنای «سه‌پایه» و «ایت‌آلماز»؛ یعنی: «سگ هم از او بیزار است». البته در مورد اخیر باور دیگری هم است. زنانی که فرزندان‌شان پس از تولد زنده نمی‌ماندند؛ «نوزاد را قنداق می‌کردند و جلوی سگ می‌گذاشتند. اگر سگ بچه را بو می‌کرد و می‌رفت، با این تصور که این بچه را سگ هم نمی‌پسندد و سگ هم به او احتیاج ندارد، حالا مرگ هم او را نخواهد گرفت، نام «ایت‌آلماز» بر او می‌نهادند» (همان، ۶۴) و با انتخاب چنین نامی، بر این باور بودند که «نوزادی که سگ هم از او بیزار است، عزرائیل به سراغش نخواهد آمد» (آتانایاز، ۱۳۹۸: ۵۱).

۲۲- **آیات قرآن:** در جوامع اسلامی و از جمله ایران، مردم برای حفظ خود و حیوانات و اشیاء گران‌بهای متعلق به خود، در برابر چشم‌زخم، از برخی آیه‌های قرآن و عبارات دعایی هم چون حرز و تعویذ استفاده می‌کنند (بلوکباشی، ۱۳۹۴: ۳۵۲) علاوه بر «ان یکاد...»، سوره‌های «معوذتان»، «فلق» و «ناس» به تنهایی، یا با سوره‌های «کافرون» و «اخلاص» که میان عامه‌ی مردم به «چهارقل» مرسوم‌اند، متضمن تعویذ بوده و از بازدارنده‌ها به‌شمار می‌روند (همان).

ترجمه مارال باتیروا (۱۳۸۴). بزیند حفاظتی برای چشم‌زخم، فصلنامه یاپراق، شماره ۲۹-۲۷، صص ۶۳-۱
بشرا، محمد و طاهر طاهری (۱۳۸۶). باورهای عامیانه‌ی مردم گیلان، رشت، فرهنگ ایلیا، چاپ نخست.
بلوکباشی، علی (۱۳۹۳). اسفند، صص ۴۹۶-۵۰۰. دانشنامه فرهنگ مردم ایران، جلد اول، تهران، مرکز
دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم.

مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان)، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۲، شماره ۳، صص ۷۷-۷۹
بلوکباشی، علی (۱۳۹۴). چشم‌زخم، صص ۲۵۰-۳۵۴. دانشنامه فرهنگ مردم ایران، جلد سوم، تهران، مرکز
دائرةالمعارف بزرگ اسلامی،
جهانشاهی‌اشار، علی و محمدحسن شمس‌الدینی مطلق (۱۳۹۳). ریشه‌های خرافات و کارکرد آن‌ها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان)، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۲، شماره ۳، صص ۷۷-۷۹



ترکمن‌ها نیز هم‌چون عده‌ای از مردم ایران معتقدند که اگر «ان یکاد...» را به صورت نوشته بر دیوار و یا به اتومبیل آویزان کنند، مانع چشم‌زخم دیگران به خانه و اتومبیل خواهد شد. نگارنده شاهد بوده است که برخی از خانواده‌های ترکمن تابلوی «ان یکاد» را در محل دید بر دیوار خانه‌ی خود نصب کرده بودند و یا در موردی بر ستون خانه آلاچایوب بسته بودند و نوشته‌ی «ان یکاد» را با آن آویخته بودند. ترکمنان، هم‌چنین معتقدند که «چهارقل» نیز یکی از شیوه‌های مؤثر در برابر چشم‌زخم می‌باشد. آنان معتقدند «با نصب تابلوی «چهارقل»، جلوی چشم‌زخم گرفته می‌شود» (ملتی، ۱۳۹۹). علاوه بر آن، «خواندن چهارقل

دیمدوف، سرگی (۱۳۹۴). درختان مقدس، صص ۳۲۲-۳۲۸. چاپ در کتاب «در باره فرهنگ و ادبیات ترکمن، مجموعه مقالات» رحیم کاکایی، گرگان، نشر مخطوطاتی فراخی، چاپ اول.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه.
ذبیح، الهام و غلامعلی حاتم (۱۳۹۲). جستاری در مفاهیم نقوش سوزندوزی شده ترکمنان

هم می‌تواند از چشم‌زخم جلوگیری کند. اگر کسی حسرت شما را کشید، هم می‌توانی همان موقع چهارقل را در دلت بخوانی و یا بعد از رفتن آن شخص این کار را بکنی. ضمن خواندن چهارقل، باید بگویی: خدایا اگر آن شخص که حسرت کشید، نیت و قصد چشم‌زدن به من را داشته باشد، نیت و قصدش به خودش برگردد... اگر این کار را بکنی، دیگر چشم‌شور او در تو اثر نمی‌کند» (رهنما، ۱۳۹۹).

۲۳- بیان عبارت «ماشاءالله»: یکی دیگر از شیوه‌های مقابله‌ی برخی از اقوام ایرانی با چشم‌زخم «ماشاءالله گفتن» است. برای نمونه «وقتی کسی چیز زیبایی را می‌بیند، برای دفع چشم‌زخم باید عبارت «ماشاءالله» یا «هزار ماشاءالله» را بر زبان بیاورد (رک. ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۴۵۸-۴۵۷) ترکمن‌ها نیز از این روش سود می‌جویند و «برای دفع چشم‌زخم، ماشاءالله، ماشاءالله می‌گویند» (تاتلیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۲).

- اگر شخصی از خانه، فرد و افراد خانواده تعریف و تمجید کند، به او می‌گویند: «بگو ماشاءالله» (ملتی، ۱۳۹۹).

- تعریف‌کننده در هنگام تعریف و تمجید از شخص یا چیزی لفظ تووه‌لمه/ ماشاءالله را به زبان می‌آورد تا به آن شخص چشم نزنند.

۲۴- انداختن آب دهان: «برای جلوگیری از اثر نظر بد، در بین تیره‌های قوم ترکمن مرسوم است که شخص نظرکننده (نظرانداز)، شخصاً و یا به دستور شخص ثالث، بر حسب اتفاق از همان جایی که هست (نظر انداخته) ضمن گفتن و یا بر زبان راندن «تووه‌لمه» (ماشاءالله) گاهی به مقدار ناچیز و اندک آب دهان خود را به سوی آن شخص و یا چیز می‌اندازد تا از نظر بد او در امان

گبداکاوس، فصلنامه علمی - پژوهشی نگره، شماره ۲۸، صص ۶۹-۷۸
ذوالفقاری، حسن و علی‌اکبر شبیری (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران، تهران، چشمه، چاپ دوم.
راسخ بلدارم، محمد صالح، تاریخ و فرهنگ ترکمنها، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.
رحمانی، جبار و شهرنواز کاکایی (۱۳۹۲). نمازلیق‌های ترکمنی، بخشی در باب نمادهای کابردی و آیینی



فرهنگ، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر، سال سوم، شماره ششم، صص ۷۳-۸۶
 روزیوا، ماهنامه (۱۳۸۳). بر روی دوش راست ثواب است و بر روی دوش چپ شرم (برخی از آداب
 عروسی ترکمنها)، ترجمه مرصیه اوقه، فصلنامه یاپراق، سال هفتم، شماره ۲۶-۳۳، صص ۱-۱۵۲ و
 سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۸۸). راهنمای تجارت با کشور ترکمنستان (۱۳۸۸). شرکت چاپ و

نشر بارگانی، چاپ اول.
 غفوری، عاطفه (۱۳۹۵). زاج، صص ۶۵۵-۶۵۸. چاپ در دانشنامه فرهنگ مردم ایران، جلد چهارم،
 تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
 غلامحسین زاده، غلامحسین و محمود روح‌الامینی و افسون قبری (۱۳۸۹). عوامل چشم‌زخم در شعر

بماند» (آقی‌پور، ۱۳۹۶: ۹) و یا «اگر به کسی یا چیزی با چشمان نافذ بنگری، و ماشاءالله نگویی و سه بار تُف نکنی به او چشم می‌خورد» (اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۵۰). عده‌ای از ترکمنان جعفریای اُمچالی، «اگر تشخیص دهند که یکی چشم خورده است، از کسی که چشم‌زخم زده، می‌خواهند که نزد چشم‌خورده بیاید و آب دهانش را بر چهره‌ی طرف مقابل بزند» (مغیدی، ۱۴۰۰).

۲۵- **مخفی کردن جنسیت نوزاد پسر یا تعداد فرزندان دختر:** عده‌ای از [ترکمن‌ها] هنگامی که تولد نوزادی را مژده می‌دهند، اگر نوزاد پسر باشد، پسر بودن او را مخفی می‌کنند و در وهله‌ی اول می‌گویند «فلانی دختر زاییده»؛ زیرا از چشم‌زخمی که ممکن است به نوزاد وارد آید می‌ترسند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۴۵۸). در دوران جدید هم عده‌ای وقتی که پس از سونوگرافی مشخص می‌شود که دومین فرزند آنان هم پسر است، برای جلوگیری از چشم‌زخم، آن را اعلام نمی‌کنند (ملتی، ۱۳۹۹). در بین طایفه‌ی نُخورلی اگر خانواده‌ای چند پسر داشته باشد، موقع تولد نوزاد جدید می‌گویند: «دختر به دنیا آمده است»، تا نوزاد چشم نخورد (اسفندیاری، ۱۳۹۸). حتی عده‌ای اگر تعداد دخترشان هم زیاد باشد، تعداد واقعی آنان را به‌زبان نمی‌آورند. مثلاً اگر شش دختر داشته باشند، می‌گویند چهار دختر داریم. با این روش جلوی چشم‌زخم دیگران را می‌گیرند (همان).

۲۶- **تکه لباس چشم‌زننده:** برای مداوای چشم‌زخم، تکه‌ای از لباس نوجوانی که احتمال می‌دهند چشم‌زدن کار اوست، همراه هفت نوع پشم که آن‌ها را به صورت چشم درآورده‌اند و مقداری اسفند را سه مرتبه سوزانده و دور مریض می‌گردانند تا چشم‌زخم برطرف گردد (کسرائیان، ۱۳۷۰: ۲۴). در بین نُخورلی‌ها هم چنین موردی با کمی تفاوت دیده می‌شود؛ آن‌ها هم اگر به کسی شک کنند که چشمش شور است، به صورت پنهانی تکه‌ای از لباس او و یا دو سه ریشه از چارقد او را می‌کنند و با اسفند قاطی می‌کنند و می‌سوزانند و در مواردی تکه‌ای از جایی را که او نشسته است می‌کنند و با اسفند می‌سوزانند (اسفندیاری، ۱۳۹۸).

۲۷- **گذاشتن نمک و زغال در پی ساختمان:** موقع بنای خانه‌ی جدید، برای مقابله با چشم‌زخم، در پی خانه، نمک و زغال می‌گذارند (تاتیلیی‌اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۲).



۲۸- **مترسک:** گذاشتن مترسک در وسط کشتزار، موجب می‌شود که کشتزار از چشم‌زخم درامان باشد (ر.ک. اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۵۱).

۲۹- **هفت خاک:** برخی از زنان روستای «بک‌پولاد» از روستاهای شهرستان رازوجرگلان استان

خراسان‌شمالی، برای دفع چشم‌زخم از جلوی هفت درب خاک جمع می‌کنند و روی آن خاک اسپند می‌ریزند و دود می‌کنند تا مریض‌شان خوب شود. به نظر آنان چون خاک محل رفت‌وآمد

شاعران فارسی، کهن‌نامه‌ی ادب پارسی، سال اول، شماره‌ی اول، صص ۹۳-۱۱۰
کسریان، نصرالله و زینا عروسی (۱۳۷۰). ترک‌نهای ایران، تهران، مؤلف.
کاتنه، ابراهیم (۱۳۷۵). مقاله‌ای بز: شناخت ایلات و عشایر ترکمن، گنبدقاپوس، انتشارات حاجی
طلایی، چاپ اول.
کولیوف، دولو کولیل، هانری (۱۳۹۴). جنگ و اسارت در مروج، ترجمه‌ی اسلام هورن، تهران، صحرا
دانش، چاپ اول.
گلی، امین (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، تهران، علم، چاپ اول.
مادی، منصور (۱۳۹۶). خوراک و باورهای عامیانه و فرهنگی ترکمن‌ها، فصلنامه‌ی میر داماد، سال دوم،

دیگران است، با این عمل زهر چشمان آن افراد از بین می‌رود (آزادگان، ۱۳۹۹).
۳۰- ممانعت از نشستن دیگران در جای عروس: برای حفظ عروس از بلایا و چشم بد، نمی‌گذارند کسی در محلی که عروس فرود آمده، بنشیند (روزیوا، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

۳۱- شکستن تخم مرغ: در برخی از خرده‌فرهنگ‌های ایرانی برای دفع چشم‌زخم، نام تمامی کسانی که مشکوک به چشم‌زدن هستند را روی تخم مرغ می‌نویسند و سپس آن تخم مرغ را می‌شکنند. آنان باور دارند که به این طریق چشم‌زخم برطرف خواهد شد. گاهی اوقات نیز برای این‌که بفهمند از بین کسانی که به خانه‌ی آن‌ها آمده‌اند و یا از آن‌ها تعریف کرده‌اند، کسی چشم شور دارد یا نه؟ و اگر چشم او شور بوده است، شوری چشم او را دفع کنند، اسم هریک از آن اشخاص را به صورت جداگانه بر روی تخم مرغی نوشته، سپس تخم مرغ‌ها را یکی یکی به صورت عمودی قرار داده، یک سکه در رأس و یک سکه در انتهای تخم مرغ می‌گذارند و با دوانگشت یک دست به سکه‌ها فشار وارد می‌کنند. در این حالت اگر تخم مرغ نشکست، آن شخصی که اسمش روی تخم مرغ نوشته شده، چشمش شور نبوده است، اما اگر تخم مرغ بشکند، چشم آن شخص شور بوده و با کشستن تخم مرغ تهدید شورچشمی او برطرف شده است. هم‌چنین گاهی بدون این‌که چیزی بر روی تخم مرغ نوشته شود، تخم مرغ را بین دوانگشت گرفته، اسامی اشخاص مشکوک به شوری چشم را به زبان می‌آورند، هرگاه هم‌زمان با بیان اسم شخصی، تخم مرغ بشکند، یعنی همان شخص کسی بوده که چشم شور داشته است. گاهی اوقات نیز بر روی تخم مرغ تصویر چشم را نقاشی کرده و سپس آن را می‌شکنند

- بعضی از ترکمنان وقتی اتومبیل جدید می‌خرند، زیر دو چرخ جلو تخم مرغ می‌گذارند و اتومبیل از روی آن‌ها رد می‌شود. به نظر آنان با شکسته شدن تخم مرغ‌ها دیگر به اتومبیل آن‌ها چشم نمی‌خورد (ملتی، ۱۳۹۹).

- شکستن تخم مرغ برای حفاظت از چشم‌زخم، در میان سالورها هم رایج است. آنان برای کودک و یا بزرگسالی که بیمار شده است، تخم مرغ می‌شکنند. تخم مرغ را به صورت عمودی میان دو انگشت نگه می‌دارند و بالای آن یک سکه می‌گذارند و پایین آن هم یک سکه‌ی دیگر و سکه‌ها را با فشار نگه می‌دارند. سپس کنار مریض و یا بدون حضور مریض، اسامی مختلف ذکر می‌شود. بالاخره با آوردن اسم شخص خاصی آن تخم مرغ می‌شکند. در آن موقع می‌گویند که فلانی چشم زده است. سپس دعا می‌کنند که خداوند خودش حفظ کند و [برای رفع بلا صدقه‌ی جزیی می‌دهند] (سالاری‌نیا، ۱۴۰۰).

۳۲- نیشگون گرفتن: اگر شخصی که معروف به چشم‌شور است، در جمعی از شخصی زیاد تعریف بکند، فرد دیگری که کنار شخص تعریف‌شونده قرار دارد، از او نیشگون می‌گیرد؛ تا زخم چشم فرد چشم‌شور برطرف شود (رهنما، ۱۳۹۹).

۳۳- دوری گزیدن از شورچشم: به باور برخی از ترکمن‌ها، یکی از بهترین شیوه‌های حفاظت از چشم‌زخم، دوری گزیدن از شخص چشم‌شور است. به همین خاطر، کودک، عروس جوان،



شماره هفتم، صص ۹۲-۸۱
معطوفی، اسدالله (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمنان: ج سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
Örşev, arazbay (1993). Yrnymlar, aşgabat, ruh
Tatlioglu, durmuş (2000). türkmen "irmlari" (halk inançları), cumhuriyet üniversitesi

اشخاص:
آزادیان، لطیف (۱۳۹۹). لیسانس، فرهنگی، ۴۸ ساله از طایفه نخورلی. ساکن روستای بکپولاد از توابع

ilahiyyat fakültesi dergisi hakemli dergi iv. sayı, sivas, 166 – 151
Türkmen diliniň düşündirişli sözlügi (2015). i. tom. Aşgabat, ylym.
Yýasowa, gurbanjermal (2005). Türkmen halk yrym – ynanyşlary, aşgabat, miras

قالی در حال بافت، کرم ابریشمی که پيله می‌کند، شیر دوشیده از گاو و چیزهایی شبیه این‌ها را نباید به مردم نشان داد؛ چراکه ممکن است شخص شورچشم باعث بیماری کودک یا عروس، ناباروری عروس، عدم پیشرفت بافت قالی، تلف شدن دسته‌جمعی کرم‌های ابریشم، خشک شدن شیر گاو و موارد شبیه این‌ها بشود (رک. اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۱۵).

۳۴- **چهل تکه پنبه:** عده‌ای از زنان طایفه نخورلی برای مقابله با چشم‌زخم، چهل تکه‌ی کوچک از پنبه را برمی‌دارند و ضمن آن‌که روی آن کمی تُف می‌اندازند، آن تکه‌های پنبه را روی اسفند می‌گذارند و می‌سوزانند (اسفندیاری، ۱۳۹۸).

۳۵- **کوک زدن با نخ و سوزن:** در گذشته، بعد از به دنیا آمدن نوزاد و بریدن ناف و برخی دیگر از مراسم، «یکی از زنان نخ و سوزنی را به لباس‌ها و متکاهای زائو [می‌دوخت] به این امید که چشم بلا دور باشد» (گلی، ۱۳۶۶: ۳۳۹-۳۳۸).

۳۶- **تُف انداختن در دهان مار:** در نزد ترکمن‌ها [این باور وجود دارد] که اگر به دهان مار تُف بیندازی، آن مار می‌میرد و [فرد] دیگر چشم نمی‌خورد (تاتلیلی اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۶۲).

۳۷- **تکه پارچه‌ی روی قبر:** اگر از پارچه‌ای که روی قبور بزرگان دین گذاشته شده، تکه‌ای کنده شود، آن تکه پارچه آدمی را از چشم‌زخم محافظت می‌کند (همان، ۱۶۳).

۳۸- **پوشاندن لباس‌های کثیف و نامرتب به کودکان:** برخی از زنان ترکمن برای آن که به کودکان‌شان چشم نخورد، به آنان کلاه و لباس‌های نامرتب و کثیف می‌پوشانند (اسفندیاری، ۱۳۹۸).

۳۹- **آویختن طلسم از سردر اوی:** برخی از ترکمنان طلسم‌های چوبی و فلزی و نعل اسب و غیره را که در قسمت ورودی «اوی» [اوی] آویزان می‌کنند تا خانه و ساکنان آن‌را از چشم‌زخم محافظت کنند (کسراثیان، ۱۳۷۰: ۶۰).

۴۰- **آویختن دسته یا ریشه‌ی فلفل قرمز:** عده‌ای از ترکمنان طایفه‌ی نخورلی، چند تا فلفل قرمز را با نخ به هم می‌بندند و از یک قسمت ساختمان آویزان می‌کنند. به نظر آنان، این فلفل‌ها جلوی چشم‌زخم را می‌گیرد (مرادی، ۱۴۰۰).

۴۱- **سیاه کردن پیشانی کودکان:** چون بچه‌های کوچک، زیبا و تودل‌پرو هستند، مادرشان برای آن‌که آن‌ها چشم نخورند، وسط پیشانی آنان را با زغال سیاه می‌کند تا فرد چشم‌شور، چشمش به آن سیاهی بیفتد و چشم‌زخم او به بچه تأثیر نکند (ملتی، ۱۴۰۰).

۴۲- **آویختن مهره‌ی آبی‌رنگ به موی کودک:** بعضی از ترکمنان، برای مقابله با چشم‌زخم، چند تار موی جلوی سر فرزند کوچک‌شان را از یک مهره‌ی آبی‌رنگ رد می‌کنند و آن را، با نخ، محکم می‌بندند. آن مهره روی پیشانی آن کودک آویزان می‌ماند. به نظر آنان چشم شخص چشم‌شور به آن می‌افتد و چشم‌زخم او در فرزندشان اثر نمی‌کند (ملتی، ۱۴۰۰).

۴۳- **گرداندن عروس به دور آتش:** در برخی مناطق، عروس را دور آتش می‌گردانند و اعتقاد دارند با این کار، عروس از آسیب چشم‌زخم و اذیت و آزار جن درامان خواهد بود (الباسوا، ۲۰۰۵: ۴۹).

۴۴- **نان کوکه:** زنان خانه‌دار ترکمن، نان کوکه پخته و از وسط آن ریسمان «پیک» (yepek)

گذرانده و از گهواره آویزان می‌کنند. این عمل به چند سبب انجام می‌شود، [یکی از موارد آن برای ممانعت از چشم‌نظر اطفال خردسال می‌باشد (ر.ک. مرادی، ۱۳۹۶: ۹۱).

- سالورها برای پیشگیری از آسیب چشم‌زخم به نوزاد، کنار سر او قرآن می‌گذارند و داخل پارچه‌ای هم تکه‌ای نان کوچک می‌گذارند و زیر بالش نوزاد قرار می‌دهند و آن را تا زمان از چله درآمدن مادر، در آن‌جا نگاه می‌دارند. آنان معتقدند با این عمل مانع چشم زدن افرادی می‌شوند که برای دیدن نوزاد به خانه می‌آیند (سالاری‌نیا، ۱۴۰۰).



نمونه هایی از آویزهای ساخته شده از خمیر نان که به صورت مدرن امروزی در آمدند

۴۵- نخ چهل‌گره: در مواردی ممکن است که چشم‌زننده مشخص نباشد، در این صورت برخی از خانواده‌های طایفه‌ی پانگ امچالی، به این روش عمل می‌کنند که ابتدا نخ سیاه‌رنگ و هم‌اندازه‌ی قد شخص بیمار آماده می‌کنند. سپس یک‌به‌یک نام اشخاصی را که ممکن است چشم‌زخم زده باشند، بر زبان می‌آورند و به ازای نام هر شخص، نخ را یک گره می‌زنند و تا چهل گره این کار را ادامه می‌دهند. در مرحله‌ی بعد، نخ چهل‌گره را همراه با زاج و اسفند دود می‌کنند و دور سر چشم‌خورده می‌گردانند. بعد از سوزاندن اسفند و نخ و زاج، دوده‌ی به‌جا مانده را بر بدن بیمار می‌زنند (مفیدی، ۱۴۰۰).

۴۶- تا زدن آستین، بالاتر از آرنج: اگر کسی مشهور به چشم‌شور باشد و فرد یا اشخاصی که در حال انجام کاری مانند پشم‌چینی، زراعت، دامداری، ساختمان‌سازی و... هستند، آن فرد را ببینند که دارد به آن‌ها نزدیک می‌شود، به او تذکر می‌دهند که «آستین چپت را بالاتر از آرنج تا

شهرستان راز و بزرگان استان خراسان شمالی.
اسفندیاری، اینچی (۱۳۹۸). ۷۴ ساله، بی‌سواد، از طایفه تُخوری، ساکن شهرستان پنجتور.
رهنما، ناصر (۱۳۹۹). فوق‌لیسانس ادبیات، شاعر و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات ترکمن. از ترکمانان ساکن شهرستان پنجتور.

دوچی، عاشر محمد (۱۳۹۹). لیسانس الهیات، ۵۶ ساله، ساکن گنبد قابوس.
خوجه، ولی محمد (۱۴۰۰). تکنسین برق و فعال فرهنگی، ۷۲ ساله، ساکن گنبد.
سالاری، سیحان (۱۴۰۰). معلم بازنشسته، ۶۳ ساله، از ترکمانان طایفه‌ی سالور، ساکن شهرستان تری‌ت‌جام.
فجوری، سنابرودی (۱۳۹۹). فرهنگی و دانشجوی دکتری تاریخ و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ترکمن، ۴۹ ساله، کلاهد.



کن و بیا. اگر هم این کار را نمی‌کنی نزدیک ما نیا». به نظر این افراد، با این روش از چشم‌زخمِ شخص چشم‌شور جلوگیری می‌کنند (خوجه، ۱۴۰۰).

در این مقاله ضمن بررسیِ باورهای مربوط به چشم‌زخم و رفع و دفع آن، به چهل‌وشش مورد از شیوه‌های مقابله با چشم‌زخم اشاره شد، که برخی از این شیوه‌ها بین ترکمنان و سایر ایرانیان دارای اشتراکاتی بوده و در برخی موارد نیز گاهی یک شیوه‌ی خاص، بین تیره‌ها و طوایف مختلف ترکمن دارای اندک تفاوت‌هایی است. نگارنده ادعا نمی‌کند که تمامی موارد چشم‌زخم و شیوه‌های مقابله با آن را که در فرهنگ عامه‌ی ترکمن وجود دارد، به‌طور کامل نگاشته است. مسلماً مواردی دیگری نیز در میان مردم رایج بوده و هست، که نگارنده از آن موارد اطلاع نداشته است.

کریمی، محمدزندی (۱۴۰۰). خیاط، ۵۹ ساله از ترکمنان طایفه نَخورلی، ساکن شهرستان بجنورد. مخومی، نعمان (۱۳۹۸). دانش‌آموز سال یازدهم ریاضی، به نقل از افراد بزرگسال خانواده، از روستای سارلی مخوم از توابع گنبد قابوس.

مرادی، بابی محمد (۱۴۰۰). لیسانس پرستاری، ۵۶ ساله از ترکمنان طایفه نَخورلی، ساکن شهرستان بجنورد.

مقیدی، هاجر (۱۴۰۰). فوق‌لیسانس ادبیات، ۴۹ ساله ساکن سیمین شهر. ملتی، سلیمه (۱۴۰۰). معلم بازنشسته، ۶۲ ساله ساکن گنبد قابوس. ملتی، شهین (۱۳۹۹). لیسانس و دبیر بازنشسته، ۵۰ ساله ساکن گنبد قابوس.